

امکان سنجی معنای «كُنْ فَيَكُونُ» برای واژه «صَمَد» با نظری بر اهداف هستی-خداشناسی سوره توحید*

عزت الله مولایی نیا (نویسنده مسؤول)^۱
یوسف فرشادنیا^۲

چکیده:

«صمد» از واژگان مورد اختلاف مفسران، در برخی منابع لغوی، روایی و تفسیری، به «كُنْ فَيَكُونُ» یا فاعلیت امری خداوند و مقوله آفرینش تبیین شده است. این پژوهش، امکان معنای «كُنْ فَيَكُونُ» را برای «صَمَد» با نظر به هدف سوره توحید مورد سنجش قرار داده است. مشاهده معنای صنع الهی و فاعلیت امری (كُنْ فَيَكُونُ) برای واژه «صَمَد» در متون لغوی، روایی و تفسیری، وجود اهداف هستی-خداشناسی در حیطه‌های معرفتی ذات، صفات، اسماء و افعال خداوند در سوره توحید، و همچنین صفت فعل بودن «صَمَد»، معنای كُنْ فَيَكُونُ (صُنْع لا مِنْ شَيْءٍ) را برای «صَمَد» ممکن می‌سازد. همچنین معنای مختار، ارتباط وثیقی با دیگر آیات سوره توحید دارد و لحاظ آن با نظر به هدف سوره، ظرفیت پاسخگویی به برخی شبهات هستی-خداشناسی را دارد. خداوندی که خلق و امر به دستان اوست، خالق است فراتر از چیزی که می‌زاید، زاییده می‌شود و همسری داشته باشد؛ او خالق است که با «كُنْ فَيَكُونُ» ابداع می‌کند.

کلیدواژه‌ها:

سوره توحید/ صمد/ كُنْ فَيَكُونُ/ فاعلیت امری/ هستی-خداشناسی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۹، تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2023.65239.3638

molaeenia@qom.ac.ir

۱- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

farshadnia.yusuf@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم حدیث-تفسیر اثری دانشگاه قم

Feasibility Study of the Meaning of *Kun fa yakūn* for the word *Ṣamad*

Ezzatullah Mola'iniya¹
Yusuf Farshadniya²

Ṣamad (the Eternal), as one of the words disputed by the interpreters, is explained in some lexical, narrative, and exegetical sources as *kun fa yakūn* (Be, and it was) or the subjectivity of God's command and the category of creation. This research has surveyed the feasibility of the meaning of *kun fa yakūn* for *Ṣamad* considering the purpose of *Sūrat al-Tawhīd*. Observing the meaning of divine creation and the subjectivity of command *kun fa yakūn* for the word *Ṣamad* in the lexical, narrative and exegetical texts, the existence of existential-theological goals in the epistemic areas of God's essence, attributes, names and actions in *Sūrat al-Tawhīd*, as well as the attribute of *Ṣamad* as being a verb, makes the meaning of *kun fa yakūn* (*ṣun' lā min shay'* = created from nothing) possible for *Ṣamad*. Also, the meaning of *mukhtār* (self-determined) has an authenticated relationship with other verses of *Sūrat al-Tawhīd*, and considering its purpose, it has the capacity to answer some existential-theological misconceptions. God, in Whose hands lies the creation and the command, is a creator who transcends what He creates, being born, and having a spouse; He innovates by *kun fa yakūn*.

Keywords: *Sūrat al-Tawhīd*, *Ṣamad*, *kun fa yakūn*, command subjectivity, existential-theological.

1. Associate Professor, Qum University.
2. M.A. Student, Qum University.



طرح مسأله

واژه «صمد» یکبار در قرآن و آن هم در سوره توحید آمده است. سوره‌ای که بر اساس فرمایش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، معادل یک‌سوم قرآن است. (صدوق، ۱۳۹۵: ۵۴۲/۲؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵۹۴/۶) از دلایل اهمیت این سوره، طرح مسائل خداشناسی در حیطه‌های معرفتی ذات، صفات، اسماء و افعال خداوند و همچنین مقوله هستی‌شناسی است. واژه «صمد» با داشتن معانی و تعاریف گوناگون در منابع لغوی، روایی و تفسیری، از ارکان مهم این سوره است؛ به طوری که لحاظ هر معنا از این واژه در تفسیر و تبیین اهداف سوره، نتیجه و رویکرد متفاوتی خواهد داشت. آفرینش و فاعلیت امری خداوند (كُنْ فَيَكُونُ) از معانی واژه صمد در کتاب‌های لغت کهن است. (ازهری، بی‌تا: ۱۰۶/۱۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۵۹/۳) در برخی تفاسیر «صمد» به معنای «کسی که هر وقت چیزی را اراده کند، می‌گوید: موجود باش، آن هم فوراً موجود می‌شود» (طبرسی، بی‌تا: ۳۷۰/۲۷؛ بروجردی، ۱۳۴۱: ۵۳۳/۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۳۸/۲۷) بیان شده که به صفت فعل خداوند اشاره دارد.

از طرفی در قرآن دو گونه فاعلیت برای خداوند بیان است: فاعلیت خلقی (خلق من شیء) و فاعلیت امری (خلق لا من شیء)؛ به طوری که می‌خوانیم: «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ» (اعراف: ۵۴)، که این دو فاعلیت خداوند در جریان هم هستند. (رضوی، ۱۳۸۷: ۳۳) چنانچه واژه صمد (الله الصمد) به فاعلیت امری خداوند (خلق لا من شیء) اشاره داشته باشد، انتظار تفسیر خلقت بر اساس آن منطقی و بلکه ضروری است. علامه طباطبایی معتقد است صفات سه‌گانه سلبی در آیات سوم و چهارم سوره توحید، متفرع به صمدیت خداوند است؛ یعنی متولد شدن چیزی از خدا، تولد خدای تعالی از چیز دیگر و داشتن کفو، هرچند ممکن است نفی آنها را متفرع بر صفت احدیت خدای تعالی کرد و به وجهی گفت فرض احدیت خدای تعالی کافی است در اینکه او هیچ یک از این سه صفت را نداشته باشد، لیکن این معنا زودتر به نظر می‌رسد که متفرع بر صمدیت خدا باشند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۷۳/۲۰) نکته دیگری که علامه به آن اذعان دارد، اینکه «صمد» برخلاف «احد» - که صفت ذات خداوند است - از جمله صفات فعل خداوند است. (همان) در صورتی که «صمد» صفت فعل خداوند باشد، فرض معنای «فاعلیت امری» واژه «صمد» و تناسب آن با آیات سوم و چهارم و در نهایت با ساختار و هدف سوره (خداشناسی و بالتبع هستی‌شناسی) تقویت می‌شود.



بر اساس آنچه بیان شد، متن حاضر با هدف پاسخگویی به پرسش‌های زیر نگاشته شده است:

- ۱- آیا لحاظ معنای «كُنْ فَيَكُونُ» برای واژه «صَمَد» امکان‌پذیر است؟
- ۲- آیا در نظر گرفتن معنای «كُنْ فَيَكُونُ» برای واژه «صَمَد» همسو با هدف سوره توحید است؟
- ۳- لحاظ معنای فاعلیت امری واژه «صَمَد» چه تأثیری در معرفت‌بخشی مسائل هستی-خداشناسی دارد؟

پیشینه پژوهش

با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون مفهوم‌شناسی «صمد»، صرف نظر از منابع لغوی، روایی و تفسیری که در ادامه به‌طور ویژه مورد بررسی قرار خواهند گرفت، تنها یک مقاله با عنوان «صمد» نفی مادیت از ذات «أحد»، نوشته جودوی و همکاران (۱۳۹۰) مشاهده گشت که هدف آن، بررسی روایات تفسیری امام حسین علیه السلام با تعبیر «لا جَوْفَ لَهُ» و رد دیدگاه مخالفان این روایات تفسیری است که تکیه آنها به مسأله تشبیه و تجسیم می‌باشد. نظر به هدف و ساختار سوره، کشفیات علوم تجربی و تأییدات برخی روایات، از دلایل نویسندگان مقاله فوق در پذیرش روایات تفسیری «لا جَوْفَ لَهُ» است. وجه امتیاز نوشتار حاضر با مقاله فوق عبارت نخست این است که مقاله پیش رو معنای «كُنْ فَيَكُونُ» را برای واژه «صمد» با توجه به هدف هستی و خداشناسی سوره مناسب می‌داند. دوم اینکه نگاه نوشتار حاضر بنیادین و به حیطة هستی-خداشناسی مربوط است که علاوه بر خداشناسی، به مقوله افعال الهی و تفسیر خلقت با تکیه بر فاعلیت امری خداوند (صُنْعَ لا مِنْ شَيْءٍ) می‌پردازد.

۱. مفهوم‌شناسی

در ابتدا فاعلیت‌های امری (صُنْعَ لا مِنْ شَيْءٍ، كُنْ فَيَكُونُ) و خلقی (صُنْعَ مِنْ شَيْءٍ) خداوند و سپس واژه «صَمَد» (از سه منظر لغوی، روایی و تفسیری) مفهوم‌شناسی می‌شود.

۱-۱. فاعلیت امری و خلقی

فاعلیت خداوند در امر آفرینش به دو قسم قابل تصور است: ۱- فاعلیت خلقی (خلق من شیء) و ۲- فاعلیت امری (خلق لا من شیء). در فاعلیت امری «ایجاد» اشیاء (= ابداع = انشاء = احداث) مطرح است، به این صورت که خداوند بدون هیچ سابقه و نیاز به وجود چیز دیگر، دست به آفرینش می‌زند، برخلاف فاعلیت خلقی که خداوند چیزی از چیز دیگر را ایجاد می‌کند؛ مانند خلق جنبنندگان از آب (نور: ۴۵). این دو فاعلیت (خلق و امر) مسأله‌ای است که قرآن با تمثیل «دو دست خدا» (مائده: ۶۴) به آن اشاره می‌کند؛ به گونه‌ای که امر و خلق الهی در جریان هم هستند. (رک: رضوی، ۱۳۸۷: ۱۹؛ ملکشاهی صفت و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۸/۱) جهت تعریف و ارائه شواهد قرآنی و روایی، ابتدا فاعلیت خلقی و سپس فاعلیت امری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱-۱. فاعلیت خلقی

«صنع من شیء» خلق چیزی از چیز دیگر است. در قرآن، از آفرینش برخی موجودات از ماده یا چیز دیگر توسط خداوند خبر می‌دهد: «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ» (نور: ۴۵). در تعریف «خلق» آمده است: «خلق یعنی پدید آوردن چیزی از چیزی بر اساس قانون علت و معلول و مطابق با قانون طبیعت، در زمان و مکان». (رضوی، ۱۳۸۷: ۲۲) از سویی، واژگان مهم و کلیدی در «صنع من شیء» همانا «مصدر»، «صدر» و «صادر» است. به عنوان مثال در خلقت جنبنندگان، مصدر، آب؛ صادر، جنبنندگان؛ و صدور، رابطه این دو است. در قرآن گاهی صنع من شیء و لا من شیء در کنار هم آمده است. برای نمونه در خصوص نحوه آفرینش حضرت مسیح علیه السلام می‌خوانیم: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران: ۵۹). بر اساس این آیه، در آفرینش حضرت آدم علیه السلام دو فاعلیت خداوند جریان داشته است: نخست «خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ» (صنع من شیء)، و دوم «كُنْ فَيَكُونُ» (صنع لا من شیء). (ملکشاهی صفت و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۲/۱) آنچه مهم است، اینکه در خلق، لفظ «از» (پدید آمدن چیزی از چیزی)، قانون علیت، مطابقت با قوانین طبیعت، زمان و مکان مطرح است. (رضوی، ۱۳۸۷: ۲۱)



۱-۱-۲. فاعلیت امری

در صنع لا من شیء ایجاد چیزی از چیز دیگر مطرح نیست، بلکه مفاهیمی نظیر «ایجاد»، «انشاء»، «احداث»، «ابداع» و «تکون» جریان دارند. به طوری که در قرآن می‌خوانیم: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس: ۸۲). از طرفی اراده از صفات فعل الهی است و در روایات نیز به این مسأله تصریح و تأکید شده است. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۲: ۲۷)

گروهی از این روایات را شیخ صدوق در کتاب «التوحید» نقل کرده است. بر اساس سؤال فردی از امام کاظم علیه السلام یا امام رضا علیه السلام در خصوص اراده خدا و خلق، چنین پاسخی از معصوم بیان شده است: «اراده نسبت به خلق اندیشه خاطر است که در دل می‌گیرند و امری را تصور می‌کنند و ذهن به سوی آن متوجه می‌شود و آنچه از برای ایشان ظاهر می‌شود از فعل، و اما نسبت به خدای عزوجل، اراده‌اش احداث و ایجاد است، نه غیر از آن؛ زیرا که آن جناب اندیشه نمی‌کند و قصد و تفکر نمی‌نماید که خوبی و بدی چیزی را بداند و این صفت‌ها از او دور است و اینها صفات خلق است؛ چه اینها از لوازم جهل و نقصان است. پس اراده خدا همان فعل است، نه غیر آن که به آنچه اراده آن دارد، می‌فرماید که باش، پس می‌شود؛ بدون صوت و سخنی که به زبان گفته شود و بی‌قصد و اندیشه که در او به هم رسد و چون و چگونگی از برای آن نیست، چنان‌که خود بی‌چون و چگونگی است.» (صدوق، ۱۳۹۴: ۲۴۴) بنابراین امر خدا عین اراده خداست؛ اراده که کرد «باش نگفته»، «باشنده» می‌شود؛ یعنی حتی نیازی به فرمان و لفظ «باش» هم نیست؛ گرچه در مواردی نیز «باش» را صادر می‌کند. (رضوی، ۱۳۸۷: ۲۳)

قرآن می‌فرماید: «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (انعام: ۱۰۱). در این آیه واژه «بدیع» معنای فاعلی (مبدع) دارد؛ یعنی کسی که آفریدن او جدید و بدون سابقه و نمونه پیشین است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶/۸) علامه طباطبایی کلمه بدیع را صفت مشبیه از مصدر بداعت عنوان نموده و بداعت هر چیز را به معنای بی‌مانندی آن -مانندی که ذهن بدان آشنا باشد- بیان کرده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۹۵/۱) همچنین واژه «بدیع» در آیه فوق و «مبدع» بودن خداوند، ارتباط تنگاتنگی با مسأله توحید و عدم شریک، همسر و فرزند داشتن خداوند دارد. در تفسیر اثنی‌عشری ذیل این آیه آمده است: «فرق ابداع و اختراع آن است که

ابداع فعلی است که مسبوق به مثل نباشد. اختراع فعلی است که مفقود به سبب باشد. تقدیم ابداع بر اختراع به جهت افاده کمال قدرت الهی است. ذاتی که مُبدع اشیاء باشد، احتیاج به شریک و ولد ندارد.» (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۳۴۴/۳) روایات معصومان علیهم‌السلام نیز مؤید این مطلب است. در بخشی از خطبه حضرت زهرا علیها‌السلام می‌خوانیم: «ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَأَنْشَأَهَا بِلَا احْتِدَاءٍ أَمْثَلَةٍ امْتَثَلَهَا ...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۱/۲۹) حضرت به مسأله «ابداع» اشاره نموده است و همان طور که پیش‌تر بیان شد، «ابداع» از واژگان و مفاهیم فاعلیت امری خداوند (صنع لا من شیء) است.

۱-۲. مفهوم «صَمَد»

برای مفهوم‌شناسی واژه «صَمَد» ابتدا به کتب لغت رجوع و در گام‌های بعدی، مفهوم این واژه را از متون روایی و تفسیری پیجویی می‌کنیم.

۱-۲-۱. «صَمَد» در متون لغوی

در کتاب *العین* برای واژه «صَمَد» معانی مختلفی از قبیل قصدشده (توسط خلق)، توخالی نبودن، سید و سروری که امری بدون اذنش تحقق نمی‌یابد (الصَّمَدُ السَّيْدُ فِي قَوْمِهِ، لَيْسَ فَوْقَهُ أَحَدٌ، وَلَا يَقْضَى أَمْرٌ دُونَهُ) بیان شده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۰۴/۷) ابن فارس با رعایت اختصار، دو معنای اصلی برای واژه «صَمَد» بیان کرده: اول: قصد، دوم: صلابت و سختی در شیء. معنای اول را که ویژه خداوند است، به معنای خدای قصدشده دانسته و می‌نویسد: «وَاللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ الصَّمَدُ؛ لِأَنَّهُ يَصْمَدُ إِلَيْهِ عِبَادُهُ بِالْدُعَاءِ وَالطَّلَبِ» (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۳۰۹/۳)؛ بدان معنا که خداوند کسی است که بندگان برای دعا و نیازمندی خود، قصد او می‌کنند. معنای دوم موضوعاً از ذات و اوصاف الهی منتفی است.

صاحب *تهذیب اللغه* معانی گوناگونی به نقل از اعلام و افراد مختلف برای واژه «صَمَد» بیان نموده که از جمله آنها «مسأله آفرینش» اشیاء است؛ «وَقِيلَ: الصَّمَدُ الَّذِي صَمَدٌ إِلَيْهِ كُلُّ شَيْءٍ، أَيُّ الَّذِي خَلَقَ الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا لَا يَسْتَعْنِي عَنْهُ شَيْءٌ وَكُلُّهَا دَالٌّ عَلَى وَاحِدِيَّتِهِ». (ازهری، ۲۰۰۱: ۱۰۶/۱۲) همچنین در کتاب *لسان العرب* بعد از ذکر معنای ای از قبیل قصدشده برای همه امور، و نیز کسی که مافوقی ندارد، به عبارت «... الصَّمَدُ الَّذِي صَمَدٌ إِلَيْهِ كُلُّ شَيْءٍ أَيُّ الَّذِي خَلَقَ الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا لَا يَسْتَعْنِي عَنْهُ شَيْءٌ وَكُلُّهَا دَالٌّ عَلَى وَاحِدِيَّتِهِ» (ابن



منظور، ۱۴۱۴: ۲۵۹/۳) می‌رسیم که ارتباط این واژه با «آفرینش» و «صنع الهی» روشن می‌شود. ابن منظور معنای قصدشده (صَمَدٌ إِلَيْهِ كُلُّ شَيْءٍ) را معادل با آفریدگار و خالق همه اشیاء (أَيُّ الَّذِي خَلَقَ الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا) در نظر گرفته است. صاحب مجمع البحرین برای «صَمَدٌ» معنای ای از قبیل دائم و باقی، کسی که در سیادت و بلندمرتبگی تفوق و درجه بالایی نسبت به بقیه داراست، و نیز قصدشده (توسط نیازمندان) در حوایج کم و زیاد بیان کرده است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۶۷۸)

در قاموس المحيط معنای ای از قبیل قصد، دائم و بلندمرتبه و سرور (السَّيِّدُ لِأَنَّهُ يُقْصَدُ) آمده (فیروزآبادی، ۱۴۲۶: ۲۹۴/۱) که در بین آنها مفهوم قصد مکرر بیان شده است. راغب اصفهانی، «صَمَدٌ» را به سیّد و مقصود دیگران در حوایج و امور و همچنین توخالی نبودن معنا کرده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۴۷۴) در قاموس قرآن معنای ای از جمله بی‌نیاز، قصد و مقصود، دائم و ثابت، سیّد و آقای مُطَاع، نداشتن درون و شکم، قائم به ذات، منزّه از کون و فساد، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ بیان شده (قرشی بنایی، ۱۳۸۶: ۱۵۱/۴) که در معنای اخیر، ارتباط آیات دوم و سوم سوره توحید به چشم می‌خورد؛ به‌گونه‌ای که «صَمَدٌ» با آیه «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» تبیین شده است. در کتاب مفردات قرآن بعد از ذکر چند معنا برای واژه «صَمَدٌ»، از قبیل منتهای سیادت و آقای، دائم ازلی و جاودانی، جوف ندارد، نمی‌خورد و نمی‌آشامد، نمی‌خوابد، قائم به نفس، بی‌نیاز از غیر، تغییرات و کون و فساد ندارد، شریک ندارد، حفظ چیزی برای او مشکل نیست و چیزی از او مخفی نمی‌ماند، به «امر الهی» و «كُنْ فَيَكُونُ» اشاره شده است. (دل‌افکار و قنبری، بی‌تا: ۴۲) در بیشتر متون لغوی، واژه «صَمَدٌ» به معنای «مقصود دیگران در امور و حاجت‌ها» آمده، با این وجود، اشاره به مفهوم آفرینش قابل توجه است. باوجود اشاره کتب لغت به آفرینش و فاعلیت امری (كُنْ فَيَكُونُ)، اما برای مفهوم‌شناسی بیشتر، متون روایی و تفسیری نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۲. «صَمَدٌ» در متون روایی

در کتاب الغارات منتسب به قرن سوم هجری و از کهن‌ترین میراث حدیثی شیعه، روایتی مفصل از امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در خصوص بیان صفات پروردگار آمده است. حضرت در بخشی می‌فرماید: «الْوَالِدُ الصَّمَدُ الْمَبْدِئُ لَهَا لَا مِنْ شَيْءٍ، وَالْمُنْشِئُ لَهَا لَا مِنْ شَيْءٍ، ابْتَدَعَهَا خَلْقًا مُبْتَدَأً يَجْعَلُ لَهَا خَلْقًا آخَرَ بِنَاءً وَ لَمْ يَزَلْ هُوَ كَائِنٌ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا تُغَيِّرُهُ صُرُوفُ

سوالف الأزمانِ و لَمْ يَتَكَاهُذُهُ صُنْعُ شَيْءٍ كَانَ، أَنَّمَا قَالَ لِمَا شَاءَ: كُنْ، فَكَانَ، بِلَا ظَهِيرٍ عَلَيْهِ وَ لَا أَعْوَانُ، فَأَبْتَدَعَ مَا خَلَقَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ سَبَقَ وَ لَا تَعَبٍ وَ لَا نَصَبٍ، وَ كُلُّ صَانِعٍ شَيْءٍ فَمِنْ شَيْءٍ صَنَعَ وَ اللَّهُ لَا مِنْ شَيْءٍ صَنَعَ مَا خَلَقَ». (تقفی کوفی، ۱۳۵۹: ۱۷۰/۱) در روایت فوق، حضرت به بیان معارف خداشناسی و هستی‌شناسی، به‌ویژه «صُنْعُ لَأ مِنْ شَيْءٍ» («كُنْ فَيَكُونُ») پرداخته است. شیخ صدوق در کتاب *معانی الأخبار* روایتی به نقل از وهب بن وهب القرشی آورده که زید بن علی علیه السلام در تبیین معنای «صَمَدٌ» چنین می‌فرماید: «الصَّمَدُ الَّذِي إِذَا أَرَادَ شَيْئًا قَالَ لَهُ: كُنْ فَيَكُونُ...» (صدوق، بی تا: ۷) که به‌صراحت پیوند «كُنْ فَيَكُونُ» و «صَمَدٌ» مشاهده می‌شود. فیض کاشانی در *الوافی*، روایتی از علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام در تبیین مفهوم «صَمَدٌ» نقل می‌کند: «الَّذِي إِذَا أَرَادَ شَيْئًا قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ وَ الصَّمَدُ الَّذِي أْبَدَعَ الْأَشْيَاءَ فَخَلَقَهَا أَضْدَادًا وَ أَشْكَالًا وَ أَزْوَاجًا وَ تَفَرَّدَ بِالْوَحْدَةِ بِلَا ضِدٍّ وَ لَا شَكْلٍ وَ لَا مِثْلٍ وَ لَا نِدٍّ». (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۳۳۶/۱) در این تبیین ارتباط امر و صمدیت الهی و مسأله آفرینش قابل توجه است. وی در کتاب *النوادر* نیز این روایت را مطرح کرده است. (همو، ۱۳۷۱: ۷۵)

در بررسی روایات معصومان علیهم السلام ارتباط معنایی و مفهومی «صَمَدٌ» با مسأله آفرینش و فاعلیت امری قابل توجه است. نمونه‌ای دیگر از این دست روایات در خطبه امام علی علیه السلام در جنگ صفین مشاهده می‌شود، چنان‌که می‌خوانیم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ الْمُتَمَرِّدِ الَّذِي لَا مَنَ شَيْءٍ كَانَ وَ لَا مَنَ شَيْءٍ خَلَقَ مَا كَانَ». (کلینی، ۱۳۸۷: ۳۲۹/۱) مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۹/۴) امیرمؤمنان علیه السلام بعد از ستایش خداوند واحد احد، بلافاصله واژه «صَمَدٌ» را ذکر و در ادامه خاطر نشان کردند که خداوند صمد، از چیزی خلق نشده (خداوند) و نه از چیزی که پیش‌تر بود، آفرید که در این بخش از خطبه، به معنا و مفهوم فاعلیت امری و آفرینش ایجادی (لا من شیء) اشاره نموده است.

روایت دیگر به تفصیل از امام حسین علیه السلام پیرو درخواست اهل بصره در تبیین «صَمَدٌ» آمده که فرمودند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَّا بَعْدُ فَلَا تَخَوْضُوا فِي الْقُرْآنِ وَ لَا تَجَادِلُوا فِيهِ وَ لَا تَتَكَلَّمُوا فِيهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ وَ إِنَّهُ سُبْحَانَهُ قَدْ فَسَّرَ الصَّمَدَ فَقَالَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ ثُمَّ فَسَّرَهُ فَقَالَ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ بَلْ هُوَ اللَّهُ الصَّمَدُ الَّذِي لَا مِنْ شَيْءٍ وَ لَا فِي شَيْءٍ وَ لَا عَلَى شَيْءٍ مُبْدِعُ الْأَشْيَاءِ وَ خَالِقُهَا وَ مُنْشِئُ الْأَشْيَاءِ بِقُدْرَتِهِ يَتَلَاشَى مَا خَلَقَ لَلْفَنَاءِ بِمَشِيئَتِهِ وَ يَبْقَى مَا خَلَقَ لِلْبَقَاءِ بِعِلْمِهِ فَذَلِكُمْ اللَّهُ الصَّمَدُ». (صدوق، ۱۳۹۴/۱۳۰: ۱۴۰۳: ۲۲۴/۳؛ حرعاملی،



۱۴۰۹: ۱۸۹/۲۷) تبیین فاعلیت امری در روایت فوق با ذکر تعابیر فنی نظیر «ایجاد»، «انشاء» و «ابداع» و همچنین اشاره به اراده و مشیت الهی درخور تامل است. یکی از این واژه‌ها «مبدع» است. خدایی که دارای فاعلیت خلقی و امری و همچنین مُبدئ و آغازدهنده به موجودات و مخلوقات است، همان خدای مُبدعی است که بی‌مایه، سابقه و الگو می‌آفریند. (عسگری و فرشادنیا، ۱۴۰۱: ۱۴۰) در روایتی از امام سجاد علیه السلام در تبیین «الصَّمَد» می‌خوانیم: «الصَّمَدُ الَّذِي إِذَا أَرَادَ شَيْئًا قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ وَ الصَّمَدُ الَّذِي أَبَدَعَ الْأَشْيَاءَ فَحَلَفَهَا أَصْدَادًا وَ أَشْكَالًا وَ أَرْوَاجًا وَ تَفَرَّدَ بِالْوَحْدَةِ بِلَا صِدِّ وَ لَا شَكْلِ وَ لَا مِثْلِ وَ لَا نِدٍّ». (صدوق، بی‌تا: ۷؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۵: ۱۹۲۴/۳) در گفتار امام سجاد علیه السلام، اولین تعبیر و تفسیری که از واژه صمد آمده، همان فاعلیت امری حضرت حق (كُنْ فَيَكُونُ) است. همچنین روایتی از زیدبن علی علیه السلام در تبیین واژه «صَمَد» آمده است: «الصَّمَدُ الَّذِي إِذَا أَرَادَ شَيْئًا قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (صدوق، بی‌تا: ۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۷/۱۲) که «كُنْ فَيَكُونُ» را همان معنای «صَمَد» تصریح نموده است.

۱-۲-۳. «صَمَد» در متون تفسیری

در این بخش و با توجه به وجود آراء تفسیری و نیز روایات تفسیری، این دو بخش به صورت مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۳-۱. آراء تفسیری

علی‌بن ابراهیم قمی در تفسیرش، عباراتی از قبیل «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ»، عدم داشتن همتا، همانند، شریک، پشتیبان و معین، بخش‌ناپذیر، تجزیه‌ناپذیر، تناسب‌ناپذیر، هیچ اسم و عدد و افزایش و کاهش بر او واقع نمی‌شود، مقصود (يُصَمَّدُ إِلَيْهِ) نیازمندان جهان، عدم داشتن شبیه و ... بیان نموده (قمی، ۱۳۶۳: ۴۴۹/۲) که ضمن تنزیه خداوند از ویژگی‌های مادی، به عبارتی از جمله «يُصَمَّدُ إِلَيْهِ» اشاره می‌کند که نشان از توجه نیازمندان به بی‌نیاز مطلق است؛ همان کسی که خلق و امر را داراست؛ «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ» (اعراف: ۵۴)؛ به طوری که در این تفسیر به پیوند آیه دوم با آیات سوم و چهارم سوره توحید به نیکی اشاره شده است.

در تفسیر فرات کوفی دو معنا برای صمد بیان شده که عبارت‌اند از «الصَّمَدُ الَّذِي لَاجَوْفَ لَهُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الصَّمَدُ السَّيِّدُ الَّذِي يَسْتَدُ إِلَيْهِ الْأَشْيَاءُ» (فرات کوفی، ۱۳۶۹: ۳۸۳) که

عدم مجوف بودن و اسناد اشیاء (در مسأله پیدایش) را بیان می‌کند. شیخ طوسی در *التبیان*، واژه «صَمَدٌ» را به کسی که عبادت شایسته اوست، معنا نموده و ضمن بیان سخنان دیگر، با مصمت دانستن خداوند مخالفت کرده و می‌نویسد: «وَمَنْ قَالَ الصَّمَدُ بِمَعْنَى الْمُصَمَّتِ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ لِأَنَّ الْمُصَمَّتَ هُوَ الْمَتَصَاغِطُ الْأَجْزَاءِ وَهُوَ الَّذِي لَا جَوْفَ لَهُ وَهَذَا تَشْبِيهُ وَكُفْرٌ بِاللَّهِ تَعَالَى.» (طوسی، ۱۴۱۳: ۴۳۱/۱۰) شیخ طوسی معتقد است که قائل شدن به عدم مجوف بودن، منجر به تشبیه و در نهایت کفر به خداوند می‌شود.

علامه طباطبایی در خصوص معنای «صَمَدٌ»، به معنای قصد (قصدشده توسط خلق) تأکید کرده و می‌نویسد: «... خدای تعالی سید و بزرگی است که تمامی موجودات عالم در تمامی حوائجشان او را قصد می‌کنند. آری! وقتی خدای تعالی پدیدآورنده همه عالم است، و هر چیزی که دارای هستی است، هستی را خدا به او داده، پس هر چیزی که نام «چیز» صادق بر آن باشد، در ذات و صفات و آثارش محتاج به خدا است، و در رفع حاجتش او را قصد می‌کند، هم‌چنان که خودش فرموده: «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ» (اعراف: ۵۴)، و نیز به طور مطلق فرموده: «وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنتَهَىٰ» (نجم: ۴۲)، پس خدای تعالی در هر حاجتی که در عالم وجود تصور شود صَمَدٌ است؛ یعنی هیچ چیز قصد هیچ چیز دیگر نمی‌کند، مگر آنکه منتهای مقصدش او است و بر آمدن حاجتش به وسیله او است.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۷۱/۲۰) علامه در نهایت واژه «صَمَدٌ» را به آیه «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ» که یکی از کلیدی‌ترین آیات در بیان فاعلیت خلقی و امری خداوند است، و آیه «وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنتَهَىٰ» ارجاع می‌دهد.

۱-۲-۳. روایات تفسیری

طبرسی روایتی از امام سجاده علیه السلام را بیان نموده که ایشان «صَمَدٌ» را کسی معرفی می‌کند که قدرت *كُنْ فَيَكُونُ* (= فعل امری) را دارا باشد و کسی که ابتدا اشیاء را ایجاد کرده و سپس اصداد و اصناف و ... را خلق نموده است و در نهایت به یکتایی، بدون شکل بودن، بی‌ضد، بی‌مثل و بدون نظیر بودن خداوند اشاره می‌فرماید. (طبرسی، بی‌تا: ۳۷۰/۲۷) ملا فتح‌الله کاشانی با ذکر روایتی به سند ابوالبختری که از وهب بن وهب قرشی روایت کرده که زیدبن علی علیه السلام گفت: «الصَّمَدِ الَّذِي إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»؛ صمد آن است که چون اراده وجود چیزی کند، به لفظ «كُنْ» ایجاد آن نماید. (کاشانی، ۱۳۳۶: ۳۹۸/۲) نیز «كُنْ فَيَكُونُ» را همان معنای واژه «صَمَدٌ» دانسته است.



حویزی در تفسیر معنای واژه «صَمَد» روایتی از وهب بن وهب القرشی آورده که حضرت زین العابدین علیه السلام فرمود: «الصَّمَدُ الَّذِي إِذَا أَرَادَ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ...» (حویزی، ۱۴۱۵: ۷/۱۱۱) برخی مفسران نظیر فیض کاشانی، سید هاشم بحرانی و قمی مشهدی از روایت امام سجاد علیه السلام که در آن به فاعلیت امری خداوند (الَّذِي إِذَا أَرَادَ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ لَهُ: كُنْ فَيَكُونُ) اشاره شده است، استفاده نموده‌اند (ر.ک: بحرانی، بی تا: ۵/۸۰۴؛ قمی مشهدی، ۱۴۲۳: ۱۴/۵۱۲) شریف کاشانی در تفسیرش از روایت زید بن علی علیه السلام مبنی بر این‌همانی «صمدیت الهی» و «كُنْ فَيَكُونُ» بهره برده است (شریف کاشانی، ۱۳۸۳: ۴۵۴)

تفسیر اثنی عشری «صَمَد» را به معنای مُبدئِ اشیاء، عدم داشتن ضد و همانندی، لم یلد و لم یولد بیان کرده است. (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۴/۳۸۴) جالب آنکه خداوند، مُبدئ (آغازدهنده به) اشیاء معرفی شده است. خداوند به عنوان آغازدهنده به اشیاء آفریدگار پدیده‌ها بدون سابقه، الگو و نمونه و از این جهت همسو با امر الهی است. همچنین در تفسیر جامع، روایتی از معصوم علیه السلام در خصوص تعریف واژه «صَمَد» مطرح نموده که در آن، بعد از ذکر معانی با مفاد تنزیه خداوند از موجودات (از قبیل عدم خوردن، آشامیدن و ...) به این تعبیر می‌رسد که «صَمَد» کسی است که هر وقت اراده [چیزی] فرماید، فوراً ایجاد می‌شود (بروجردی، ۱۳۴۱: ۷/۵۳۳)، که این فرمایش معصوم علیه السلام همان امر الهی (كُنْ فَيَكُونُ) است.

در تفسیر نمونه نیز معانی‌ای از قبیل مقصود نیازمندان، منتهای سیادت و آقایی، دائم ازلی و جاودانی، عدم مجوف بودن، شریک نداشتن، كُنْ فَيَكُونُ، لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا أحد و ... بیان شده (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۷/۴۳۸) که علاوه بر نفی ویژگی‌های مادی از ذات خداوند، به فاعلیت امری خداوند (كُنْ فَيَكُونُ) و ارتباط صمدیت الهی با آیات سوم و چهارم سوره توحید (عدم ولادت و زایش) اشاره شده است. در تفسیر منشور جاوید روایت امام سجاد علیه السلام که فرمود: «... الَّذِي أَبَدَعَ الْأَشْيَاءَ فَخَلَقَهَا أَصْدَاداً وَأَشْكَالاً وَأَزْوَاجاً وَتَفَرَّدَ بِالْوَحْدَةِ بِلَا ضِدِّ وَلَا شَكْلِ وَلَا مِثْلِ وَلَا نِدٍّ» (سبحانی، ۱۴۱۲: ۶/۲۹۴) انتخاب شده که مقوله آفرینش و ابداع الهی در آفرینش از معارف محوری روایت است.

۱-۲-۴. بررسی امکان معنای «كُنْ فَيَكُونُ» برای واژه «صَمَد»

در مفهوم‌شناسی «صَمَد»، معنای گوناگونی مشاهده گشت. از معانی قابل توجه، این‌همانی «صمدیت» با «كُنْ فَيَكُونُ» است. بر اساس صفت فعل بودن واژه «صَمَد» (صدوق، ۱۳۹۴: ۳۴۴؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۷۳/۲۰؛ سبحانی، ۱۳۸۳: ۲۸۷/۲) و داشتن معنای امری الهی (كُنْ فَيَكُونُ؛ صُنْعٌ لَا مِینَ شِیْءٍ) در منابع لغوی، منابع روایی و همچنین در آراء و روایات تفسیری، امکان معنای «كُنْ فَيَكُونُ» برای «صَمَد» موجه می‌شود. بر پایه معنای امری واژه «صمد»، در ادامه به بررسی هدف و محتوای سوره توحید و تناسب معنای مختار با اهداف هستی‌شناسی و خداشناسی سوره توحید خواهیم پرداخت.

۲. بررسی هدف و جایگاه راهبردی سوره توحید

سوره توحید بر اساس فرموده پیامبر خاتم ﷺ معادل یک‌سوم قرآن است. (صدوق، ۱۳۹۵: ۵۴۲/۲؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵۹۴/۶) در روایتی از امام سجاد علیه السلام درباره سوره «توحید» سؤال شد که حضرت در پاسخ فرمود: «خداوند متعال می‌دانست در آخرالزمان اقوامی می‌آیند که در مسائل تعمق و دقت می‌کنند، لذا سوره «قل هو الله احد»، و آیات آغاز سوره «حدید»، تا «عَلَيْمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» را نازل فرمود. هر کس بیش از آن را طلب کند، هلاک می‌شود.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷۲/۶۴) در این روایت، نهایت اهمیت و ظرفیت سوره در ارائه معارف عمیق توحیدی بیان شده است؛ به طوری که علامه طباطبایی در خصوص جایگاه، اهمیت و ارائه توحید ناب این سوره می‌نویسد: «این سوره خدای تعالی را به احدیت ذات و بازگشت ما سوی الله در تمامی حوائج وجودی‌اش به سوی او و نیز به اینکه احدی نه در ذات و نه در صفات و نه در افعال شریک او نیست می‌ستاید، و این توحید قرآنی، توحیدی است که مختص به خود قرآن کریم است، و تمامی معارف (اصولی و فروعی و اخلاقی) اسلام بر این اساس پی‌ریزی شده است.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۶۹/۲۰)

اهداف عمده این سوره، طرح مسائل خداشناسی در حیطه‌های معرفتی، ذات، صفات، اسماء و افعال خداوند است. عبدالکریم بهجت‌پور معتقد است این سوره بر اساس ترتیب نزول و بعد از طی گام‌هایی پیشین، نظیر جداسازی صف کافران از



موحدان توسط پیامبر (سوره کافرون) و ایجاد زمینه با سوره‌هایی نظیر فیل، فلق، ناس که از نظر سیر نزول، پیش‌تر از سوره توحید است، به اصلاح جامعه شرک‌زده مکه پرداخته و هدف نزول را این‌گونه بیان می‌کند: «مقصود از نزول سوره، بیان توحید ذات و صفات پروردگار به‌عنوان سنگ بنای جامعه دینی جدیدی است که پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پایه‌گذاری کرد. امر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به اعلام توحید ذات و صفات پروردگار و عدم وجود زاد و ولد و یا انباز و همتایی برای خدا تبارک و تعالی، از نکات اساسی و اهداف این سوره است و با غرض بیان توحید ناب و خالص در جامعه شرک‌زده مکه نازل شده است.» (بهجت‌پور، ۱۳۹۵: ۵۳۶/۱) بنابراین از سوره توحید استفاده می‌شود که خدا را باید با صفات ایجابی و سلبی به مخاطبان معرفی کرد. احدیت و صمدیت دو صفت ایجابی‌اند و «نفی ولادت» و «نفی کفو»، از جمله صفات سلبی هستند؛ یعنی باید دانست که خدا چیست و معرفت یافت که او چه چیزی نیست. (همان، ۵۴۴) آنچه مسجل است، اینکه از اهداف راهبردی سوره توحید، ارائه معارف هستی‌شناسی و خداشناسی بوده که از تعبیر فنی آن واژه «صمد» است. حال این پرسش مطرح می‌شود که با لحاظ معنای «كُنْ فَيَكُونُ» برای واژه «صمد»، چه ارتباطی میان صمدیت خداوند با آیات دیگر سوره توحید وجود دارد؟ در ادامه پاسخی مختصر و همسو با هدف نوشتار ارائه می‌شود.

۳. ارتباط «الله الصمد» با آیات دیگر سوره توحید

میان دو آیه ابتدایی سوره توحید ارتباط تنگاتنگی در حوزه خداشناسی وجود دارد. علامه طباطبایی معتقد است دو آیه اول و دوم سوره اخلاص در عین حال هم به‌وسیله صفات ذات، خدای تعالی را معرفی کرده، و هم به‌وسیله صفات فعل. آیه اول (الله احد) خدا را به صفت احدیت توصیف کرده که احدیت عین ذات است، و آیه دوم (الله الصمد) او را به صفت صمدیت توصیف کرده که صفت فعل است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۷۳/۲۰) بر اساس معنای امری و آفرینش خداوند در خصوص واژه «صمد» و همچنین صفت فعل بودن آن، علاوه بر خداشناسی، مقوله هستی‌شناسی و تفسیر خلقت، از جمله ظرفیت‌های قابل توجه سوره توحید است. اما صمدیت الهی (الله الصمد) در آیه دوم، چه ارتباطی با آیات سوم (لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ) و چهارم (وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ) دارد؟ در

بسیاری از تفاسیر شیعی، الصَمَدُ با آیات «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» و «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» تبیین شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۷۲/۲۰؛ جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۲۳/۲۶۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۷/۴۳۸؛ طبرسی، بی تا: ۳۷۰/۲۷)؛ آیاتی که هرگونه «ولادت»، «صدور» و «زایش» را از ذات حضرت حق می‌زداید.

برای یافتن پاسخ دقیق و کشف پیوند میان آیات این سوره، به آیات دیگر قرآن ویژه آفرینش و شبهات مطرح شده در آنها رجوع می‌کنیم. در قرآن شواهدی مبنی بر نسبت دادن برخی انبیا و فرشتگان به خداوند وجود دارد که از علل عمده آن، عدم توجه به امر و خلق الهی است. نمونه آن نحوه خلقت حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام است: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران: ۵۹). قرآن متذکر می‌شود حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام که نه پدر داشت و نه مادر، طی مراحل خلق شد (از خاک و ... و سپس دستخوش فاعلیت امری «كُنْ فَيَكُونُ» خداوند قرار گرفت. حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام نیز بدون پدر و تنها با داشتن مادر، با دو فاعلیت خلقی و امری ایجاد شد. (رضوی، ۱۳۸۷: ۲۷؛ ملکشاهی صفت و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۲) مثال قرآنی دیگر، نحوه آفرینش روح است: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء: ۸۵). جالب این است که روح یک پدیده خلقی نیست که تا گفته شود از چه چیزی خلق شده است. آفرینش روح همانا فاعلیت امری خداوند (لا مِنْ شَيْءٍ) است. روح به فرمان «باش»، باشنده شده است. (رضوی، ۱۳۸۷: ۲۶)

تفسیر هدایت بعد از بررسی سخنانی در خصوص معنای «صَمَدٌ»، در نهایت با روایتی از امام علی عَلَيْهِ السَّلَام (در تأویل صمد با ذکر ۳۰ صفت سلبی) به پایان می‌یابد: «چون دانستیم که فرزند از او به وجود نمی‌آید، این را نیز می‌دانیم که خود او تولد پیدا نکرده است، مگر آنکه فرزند می‌آورد چیزی از او کم نمی‌شود و نیازمند به تکمیل خود با افزوده شدن پاره‌ای به آن نیست، و پروردگار ما که بی‌نیاز از افزایش است، چگونه ممکن است با تولد از دیگری افزایش پیدا کند؟ «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ»-نه می‌زاید و نه زاده شده است.» نه می‌زاید بدان‌سان که کاینات آفریده، خواه کثیف و خواه لطیف، می‌زایند. این آیه بنیاد خرافه‌های جاهلی را که در مذاهب و مبادی مختلف تجسم پیدا کرده است، ویران می‌کند که بر تصور ولادت موجودات از رحم آفریننده آن، سبحانه و تعالی، تکیه دارد.» (مدرسی، ۱۳۷۷: ۱۸/۴۱۲)



نکات تفسیری فوق نشان از ارتباط تنگاتنگ این سه آیه دارد و هر گونه «ولادت» و «صدور» را از خداوند می‌زداید. شایان ذکر است انگاره انتساب «فرزند» و «ولادت» به خداوند، تفکر و آموزه‌ای فراگیر در فرهنگ‌ها و تمدن‌های بزرگ است که دو دین بزرگ یهودیت و مسیحیت تحت تأثیر آموزه‌های مشرکان پیشین (یونان باستان)، هر کدام با توجه به مقتضیات زمانی، مکانی و مصداقی، «ولادت» و داشتن «فرزند» را به خداوند نسبت می‌دادند (شکر و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۵۶)، و از این جهت در قرآن به‌ویژه سوره توحید به نفی این تفکر پرداخته است. در صورتی که معنای صمد را فاعلیت امری بدانیم، در چنین فاعلیتی، جهت آفرینش موجودات نیازی به ماده اولیه «من شیء» نخواهد بود و پروردگاری که چنین فاعلیتی دارد، منزّه از «ولادت» است. شهید مطهری نیز معتقد است که از «صَمَد» می‌توان «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ» را نتیجه گرفت. (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۸۶/۱۴) مؤید مطلب بالا، دعای عرفه امام حسین علیه السلام است که فرمود: «فَسُبْحَانَ اللَّهِ الْوَّاحِدِ الْحَقِّ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ». (قمی، ۱۳۸۴: ۴۲۳) بنابراین خدایی که خلق و امر به دستان اوست (أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ)، خدایی است که فراتر از چیزی که می‌زاید، زاییده می‌شود و همسری داشته باشد، با فاعلیت امری ایجاد و ابداع می‌کند؛ فاعلیتی که با «صُنْعَ لَا مِنْ شَيْءٍ»، اشیاء و موجودات را ایجاد و انشاء و کن فیکون می‌کند.

۴. «صَمَد» و هستی-خداشناسی

لحاظ معنای امر الهی (كُنْ فَيَكُونُ) برای «صَمَد» و نظر به ساختار و اهداف سوره توحید، نقش راهبردی در معرفت‌بخشی هستی-خداشناسی ایفا می‌کند. از آنجایی که «صَمَد» صفت فعل خداوند است، علاوه بر مقوله خداشناسی، انتظار تفسیر خلقت و تعیین نسبت خدا و خلق موضوعیت می‌یابد؛ چرا که صفات فعل خداوند از انتزاع دو طرف ذات پروردگار و مخلوق او قابل درک و فهم هستند. آیه دوم سوره توحید بعد از نقش آفرینی آیه اول در تبیین صفت ذاتی خداوند (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ)، در نقش تبیین صفتی (صمدیت) از صفات فعل خداوند است که بر اساس بررسی‌های انجام‌شده در پژوهش حاضر، همان فاعلیت امری (صُنْعَ لَا مِنْ شَيْءٍ) است.

در امر الهی، مخلوقات و اشیاء گذشته از فقر ذاتی خود، از هر لحاظ مسبوق به عدم هستند و از این جهت، وجود آنها ایجاد و آفریده می‌شود (صُنِعَ لَا مِنْ شَيْءٍ) و چنین خلقتی وابسته به اراده خداست که با کلمه تکوینی «كُنْ»، اشیاء را از حسیض نیستی محض - که قابل تصور نیست - به تعالی هستی و تحقق می‌رساند. (برنجکار، ۱۳۷۴: ۱۳۷) با چنین نگاهی (معنای «كن فيكون» برای واژه «صمد»)، دیگر طرح شبهات و نظریه‌هایی (ولادت، زایش و صدور) که به صراحت در آیات سوم و چهارم سوره توحید مورد نقد قرار می‌گیرند، به بوته فراموشی سپرده می‌شود؛ چرا که از برخی متون روایی استفاده می‌شود تولد در آیه «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» معنای وسیع‌تری دارد، و هر گونه خروج اشیاء مادی و لطیف را از او، و یا خروج آن ذات مقدس از اشیاء مادی و لطیف دیگر را نفی می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۷۶/۲۷) بنابراین با عنایت به شأن نزول این سوره - پاسخگویی به سؤالات و شبهات هستی-خداشناسی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۲۸/۲۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۶۵/۲۰) -، در نظر گرفتن معنای فاعلیت امری (كُنْ فَيَكُونُ) برای واژه «صَمَدٌ»، نقش مهمی در معرفت‌بخشی خداشناسی و هستی‌شناسی ایفا می‌کند.

نتیجه‌گیری

«صمد» از واژگان قرآنی مورد اختلاف مفسران است. در برخی لغت‌نامه‌ها، روایات و تفاسیر، این واژه به مقوله آفرینش و همچنین «فاعلیت امری خداوند؛ كُنْ فَيَكُونُ» تبیین شده است. پژوهش حاضر با هدف امکان‌سنجی معنای «كن فيكون» برای واژه «صَمَدٌ»، با توجه به هدف هستی و خداشناسی سوره توحید، به این نتایج دست یافته است:

۱- الف) مشاهده معنای صنع الهی و فاعلیت امری (كُنْ فَيَكُونُ) برای واژه «صَمَدٌ» در متون لغوی، روایی و تفسیری، ب) وجود اهدافی نظیر طرح مسائل خداشناسی در حیطه‌های معرفتی ذات، صفات، اسماء و افعال خداوند در خصوص سوره توحید، ج) صفت فعل بودن «صَمَدٌ»، معنای راهبردی این واژه قرآنی (صَمَدٌ) را که همان فاعلیت امری (كن فيكون = صنع لا من شيء) است، امکان‌پذیر می‌کند.



۲- نظر به مفهوم «كُنْ فَيَكُونُ» واژه «صَمَد»، ارتباط وثیقی میان «صمدیت خداوند» با مفاد آیات سوم (لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ) و چهارم (وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ) سوره به چشم می‌خورد؛ به‌گونه‌ای که در برخی منابع روایی و تفسیری، در تبیین واژه «صَمَد»، به نفی «ولادت» و «زایش» از خداوند اشاره شده است.

۳- نظر به معنای امری «صَمَد»، خداوند در آفرینش نیازی به ماده اولیه، صدور، زایش، فرزند و همسر ندارد و بر اساس صنع لا من شیء (كُنْ فَيَكُونُ)، موجودات را ایجاد، ابداع و انشاء می‌کند.

۴- با در نظر گرفتن معنای «كُنْ فَيَكُونُ» برای واژه «صَمَد» و همچنین توجه به ساختار و هدف سوره توحید و جایگاه آن به‌عنوان شناسنامه خداوند، ظرفیت پاسخگویی به برخی شبهات هستی-خداشناسی وجود دارد؛ چراکه خدایی که خلق و امر به دستان اوست (أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ)، خدایی است که فراتر از چیزی که می‌زاید، زاییده می‌شود و همسری داشته باشد، با فاعلیت امری ایجاد و ابداع می‌کند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فارس، احمد (۱۳۹۹ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دارالفکر.
۳. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارصادر.
۴. ازهری، محمدبن احمد (بی‌تا)، تهذیب اللغة، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵. بحرانی، سید هاشم (بی‌تا)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه البعثة.
۶. برنجکار، رضا (۱۳۷۴)، «خدا و جهان در اندیشه ارسطو»، کیهان اندیشه، شماره ۵۹، ص ۱۵۳-۱۳۶.
۷. بروجردی، سید ابراهیم (۱۳۴۱)، تفسیر جامع، تهران: انتشارات صدر.
۸. بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۵)، همگام با وحی، قم: مؤسسه تمهید.
۹. ثقفی کوفی، ابراهیم‌بن محمد (۱۳۵۹)، الغارات، تحقیق جلال الدین محدث، تهران: انجمن آثار ملی.
۱۰. جودوی، امیر؛ برومند، محمدحسین؛ صالحی، اکرم (۱۳۹۰)، «صمد، نفی مادیت از ذات أحد»، کتاب قیم، شماره ۴، ص ۷۰-۵۳.
۱۱. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۲. حسینی شاه‌عبدالعظیمی، سید حسین (۱۳۶۳)، تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات.
۱۳. حویزی، عبدعلی بن جمعة (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
۱۴. دل افکار، علیرضا؛ قنبری، لیلیا (بی‌تا)، مفردات قرآن، بی‌جا: دانشگاه پیام نور.

۱۵. رازی، ابوالفتح حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق)، مفردات الفاظ القرآن، دمشق: الدار الشامیه.
۱۷. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۹۲)، «فاعلیت خداوند در معجزات»، کلام اسلامی، سال ۲۲، شماره ۸۷، صص ۴۵-۱۹.
۱۸. رضوی، مرتضی (۱۳۸۷)، دو دست خدا، وبسایت بیش نو، <https://binesheno.com>.
۱۹. سبحانی، جعفر (۱۳۸۳)، منشور جاوید، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۰. سبحانی، جعفر (۱۴۱۲ق)، مفاهیم القرآن، قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
۲۱. شریف کاشانی، ملا حبیب الله (۱۳۸۳)، تفسیر ستّ سور، تهران: مؤسسه شمس الضحی الثقافیة.
۲۲. شکر، عبدالعلی؛ عبیداوی، هادی؛ فرشادنیایا، یوسف (۱۴۰۰)، «انگاره انتساب «فرزند» و «ولادت» به خدا، و نقد لوازم آن بر اساس آیات قرآن»، پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۴۷، صص ۲۸۶-۲۵۵.
۲۳. صدوق، محمدبن علی بن بابویه (۱۳۹۴)، التوحید، واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
۲۴. صدوق، محمدبن علی بن بابویه (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: اسلامیه.
۲۵. صدوق، محمدبن علی بن بابویه (بی تا)، معانی الأخبار، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر.
۲۶. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن (بی تا)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه هاشم رسولی، تهران: فراهانی.
۲۸. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرين، تهران: مرتضوی.
۲۹. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۳ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: النشر الاسلامی.
۳۰. عسگری، انسیه؛ فرشادنیایا، یوسف (۱۴۰۱)، تأثیر دعا در استخراج گزاره‌های معرفتی (بررسی موردی: هستی‌شناسی و خداشناسی)، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۹۰، صص ۱۵-۱۳۳.
۳۱. فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم (۱۴۰۹ق)، تفسیر فرات کوفی، نسخه الکترونیکی قائمیه.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، العین، قم: نشر هجرت.
۳۳. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (۱۴۲۶ق)، قاموس المحيط، بیروت: مؤسسه الرسالة.
۳۴. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۳۷۱)، نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین، تحقیق مهدی انصاری قمی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۳۵. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
۳۶. فیض کاشانی، ملا محسن (بی تا)، الاصفی فی تفسیر القرآن، نسخه الکترونیکی قائمیه.
۳۷. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۸۶)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۸. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، قم: دار الکتب.
۳۹. قمی مشهدی، محمد رضا (۱۴۲۳ق)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، قم: دار الغدیر.
۴۰. قمی، شیخ عباس (۱۳۸۴)، کلیات مفاتیح الجنان، قم: آرموس.

۴۱. کاشانی، ملا فتح‌الله (۱۳۳۶)، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی محمدحسن علمی.
۴۲. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۷)، الکافی، به اهتمام محمد حسین الدرایتی، قم: دارالحدیث.
۴۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۴۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۵. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۵)، میزان الحکمة، قم: دارالحدیث.
۴۶. مدرسی، محمدتقی (۱۳۷۷)، تفسیر هدایت (من هدی القرآن)، مشهد: آستان قدس رضوی.
۴۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، آشنایی با قرآن، تهران: صدرا.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۹. ملک‌شاهی صفت، مصطفی و همکاران (۱۳۹۷)، کنکاشی در چیستی و چرایی بسته بودن دست خدا در اندیشه یهود، اهواز: پژوهندگان راه دانش.
۵۰. نیشابوری، نظام‌الدین حسن بن محمد (۱۴۱۶ق)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقیق شیخ زکریا عمیرات، بیروت: دار الکتب العلمیه.

